

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۲ اکتوبر ۲۰۲۰

مهاجم جوانی در فرانسه با فریاد «الله اکبر»، سر معلمی را با چاقو برید!

واقعه هولناک بریدن سر یک معلم تاریخ به دست یک مسلمان چینی موجی از خشم را در فرانسه پدید آورده است. روز شنبه ۱۸ اکتوبر و روز یکشنبه ۱۸ اکتوبر - ۲۷ مهرماه، هزاران تن در پاریس و شماری دیگر از شهرهای فرانسه در دفاع از آزادی بیان و نفی تاریک‌اندیشی و تروریسم اسلامی دست به حرکت‌های اعتراضی زدند. در پاریس، هزاران تن با حمل پلاکاردهائی که با کلمات و عبارات گوناگون از آزادی بیان پاس می‌داشت و نسبت به دبیر به قتل رسیده ادای احترام می‌کرد، در میدان جمهوری تجمع کردند. ژان گسټیکس، نخست وزیر، ژان میشل بلانکر، وزیر آموزش و پرورش، مارلین شیپا، وزیر مشاور در امور شهروندی، فرانسوا هولاند، رئیس جمهوری پیشین، آن ایدالگو، شهردار پایتخت، و شمار بسیار دیگری از مقامات دولتی و سیاستمداران این کشور در این گردهمایی شرکت کردند. هفته‌نامه «شارلی ابدو» در واکنش به حمله روز جمعه در حساب توییتری خود نوشته است: «عدم مدارا به سطحی تازه رسیده و به‌نظر می‌رسد برای ارباب در کشور از هیچ چیز فروگذار نمی‌کنند.»



معلمی که در یک خیابان فرانسه روز جمعه ۲۵ مهر ۱۳۹۹ سر او بریده شد، پیش‌تر به خاطر نشان دادن کارتون‌های محمد پیامبر مسلمانان به دانش‌آموزان، تهدید شده بود. نام این معلم که درس تاریخ و جغرافی می‌داد، «ساموئل پتی» عنوان شده و ۴۷ سال داشت.



حمله ساعت ۵ عصر به وقت محلی و در حومه پاریس و نزدیک مدرسه‌ای که این معلم در آن تدریس می‌کرد، روی داد، در شهر کنفلان-سنت-اونوری، حدود ۳۰ کیلومتری شمال غرب مرکز پاریس. مهاجم با یک قمه به معلم حمله کرد و سر او را برید. شاهدان گفته‌اند که شنیدند مهاجم فریاد می‌زد: «الله اکبر!»

اندکی پیش از آن رهگذران به رفتار این فرد که به‌گفته آنان «در برابر دبیرستان بوآ دولن در رفت‌وآمد دائم بود» شک برده و پولیس را آگاه ساخته بودند.

گفته شده است پولیس از مهاجم خواست خود را تسلیم کند اما او آن‌ها را تهدید کرد و سپس مأموران با شلیک گلوله او را هدف قرار دادند و او مدت کوتاهی بعد کشته شد.

مهاجم در نورماندی زندگی می‌کرد و شماری از اقوام وی از جمله برادرانش نیز دستگیر شده‌اند.

معلمان سراسر فرانسه به خبرنگاران گفته‌اند که از این جنایت که در روز روشن رخ داد شوک زده شده‌اند. به نوشته خبرگزاری فرانسه مقتول یک معلم تاریخ بوده که اخیراً کاریکاتور جنجالی مجله شارلی ابدو درباره پیامبر اسلام را به شاگردانش نشان داده بود.

روزنامه لوموند نوشته است که این قربانی معلم تاریخ و جغرافیا بود و در کلاس درباره آزادی بیان و ارتباط آن با کاریکاتورهای پیامبر اسلام صحبت کرده است.

ساموئل پتی، یک پدر بود و طبق گزارش‌ها کلاسی که یک ماه قبل تدریس آن را بر عهده گرفت درباره آزادی بیان بود. گفته می‌شود او در حالی که درباره حمله به مجله طنز شارلی ابدو صحبت می‌کرد، کارتون‌هایی از محمد را نشان داده بود. از وی نقل قول شده است که دانش‌آموزان مسلمان توصیه کرده بود که اگر فکر می‌کنند ممکن است از دیدن آن تصاویر احساس می‌کنند که به آن‌ها توهین می‌شود، می‌توانند کلاس را ترک کنند.

اولیای برخی از دانش‌آموزان مسلمان به مدرسه شکایت کردند و دست‌کم یکی از آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی خواستار برکناری پتی شد. رسانه‌های فرانسوی می‌گویند پتی تهدیدهای نامشخصی چند روز پس از آن جلسه کلاس دریافت کرد. یکی از دانش‌آموزان سابق پتی می‌گوید که وی شغل خود را دوست داشت و «واقعا می‌خواست که به ما آموزش دهد و بعضی وقت‌ها ما مناظره می‌کردیم.»

شارلی ابدو روز جمعه توثیت زد که «عدم بردباری به سطح جدیدی رسید و به‌نظر می‌رسد برای وحشت‌آفرینی در کشور ما هیچ توفقی نمی‌کند.»

اندکی پس از این جنایت، پیامکی در توثیت منتشر شد که مسؤولیت این جنایت را به نام یک «جهادگرای چین» بر عهده می‌گرفت. این پیام خطاب به رئیس جمهوری فرانسه نوشته شده و در آن آمده است «مکرون، رهبر کفار، من یکی از سگ‌های جهنم تو را که به پیامبر توهین کرده بود، کشتم.»

مهاجم یک جوان ۱۸ ساله است. او متولد ۲۰۰۲ در مسکو بوده، چینی‌تبار است و به‌گفته منابع امنیتی «عبدالله ابویزیدویچ» نام دارد. طبق اطلاعاتی که تا کنون در اختیار رسانه‌های فرانسوی قرار گرفته، وی هیچ سابقه‌ای نزد سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی فرانسه نداشته است. بر اساس پولیس او مرتکب جرم‌های کوچکی شده است که در پرونده سوءپیشینه او منعکس نشده است.

محققان قضائی اکنون به‌دنبال این موضوع هستند که بدانند آیا او خودش پیامی را در توئیتر منتشر کرده است که عکس قربانی سر بریده شده را نشان می‌دهد. پیامی خطاب به امانوئل ماکرون که او را «رهبر کافران» معرفی می‌کند و می‌گوید که می‌خواهد انتقام کسی را بگیرد که «جسارت کرده و «محمد» را تحقیر کرده است.»

به‌گفته رودریگو آرناس، مدیر مشترک موسسه FCPE، این آموزگار در روز درس تاریخ «قبل از نشان دادن نقاشی پیامبر اسلام از شاگردان مسلمان خواسته بود که اگر مایلند کلاس را ترک کنند. این کاریکاتورها تصویر پیامبر اسلام را در حالت خمیده با ستاره‌ای که روی باسنش کشیده شده بود، نشان می‌داد و نوشته بود یک ستاره متولد می‌شود.»

یک منبع نزدیک به تحقیقات به رادیوی «فرانس انفو» گفته برای نشان دادن این کاریکاتورها، او با شکایت یکی از والدین دانش‌آموزان در ۸ اکتوبر روبه‌رو شده بود. پدر یکی از دانش‌آموزان در مدرسه راهنمایی «بوا دولن» در شهر «گنفلان-سنت-اونورین» به دلیل «انتشار تصاویر پورنوگرافی» از او شکایت کرده بود. زیرا تصویر پیامبر اسلام در این کاریکاتورها برهنه نشان داده می‌شود. به‌گفته شبکه «بی اف ام تی وی» فرانسه چند روز بعد از آن، این معلم نیز به نوبه خود برای افترا علیه فرد شاکی، شکایت کرده بود.

در شبکه رادیوی «فرانس اینتر»، پدر دانش‌آموز ۱۳ ساله‌ای که آن روز در کلاس درس تاریخ این معلم حاضر بوده، واکنش نشان داد. به گفته وی، معلم قربانی این تهاجم تروریستی در روز درس، قبل از نمایش کاریکاتورها از دانش‌آموزان مسلمان خواسته بود، بیرون بروند. این پدر دانش‌آموزی که در کلاس بوده، گفته است: «ظاهراً او این کار را از روی بدجنسی نکرده است. پسر من گفت که او این کار را برای محافظت از دانش‌آموزان انجام داده است، نه این‌که آن‌ها را ناراحت کند.» به‌گفته او این معلم به شاگردان مسلمان گفت بود: «من می‌خواهم یک عکس نشان بدهم. من به شما توصیه می‌کنم بیرون بروید تا ناراحت نشوید، شوکه نشوید.» این پدر خانواده با اصرار گفت که «این عمل معلم به‌معنای تمسخر و یا بی‌احترامی نبوده است و اگر والدین دانش‌آموزان به دیدن معلم رفته بودند تا توضیح دهند که او اشتباهی مرتکب شده است، سوءتفاهم رفع می‌شود؛ اما آنان هیچ کاری نکردند.» او همچنین تاکید می‌کند که «در باره این موضوع در شبکه‌های اجتماعی تنش زیادی وجود داشت.»

به‌گفته منابع قضائی فرانسه ۹ نفر از جمله اولیای یک دانش‌آموز در مدرسه پتی، دستگیر شده‌اند.

در میان دستگیرشدگان چهار نفر خویشاوند مظنون هستند و یکی از آن‌ها زیر سن قانونی است.

این قتل در شرایطی اتفاق افتاد که هنوز محاکمه تروریست‌های اسلامی در سال ۲۰۱۵ به مجله شارلی ابدو به خاطر انتشار کارتونهایی از محمد، ادامه دارد.

وزیر آموزش فرانسه که روز شنبه با رهبران اتحادیه معلم‌ها دیدار داشت، گفت آقای پتی را «دشمن آزادی» کشتند و فرانسه «وقتی با ترور و تهدید روبه‌رو می‌شود هیچ‌گاه عقب‌نشینی نمی‌کند.»

نخست وزیر فرانسه نیز در توئیتی گفت معلمان این کشور به بیدار کردن روحیه انتقادی شهروندان جمهوری برای آزاد کردن آن‌ها از همه اشکال توتالیتاریسم ادامه می‌دهند.

امانول مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه نیز گفت حمله صورت گرفت تمامی نشانه‌های یک «حمله تروریستی اسلام‌گرایانه» را دارد و این معلم به‌خاطر «تدریس آزادی بیان» به قتل رسید. امانول مکرون با تاکید بر وحدت ملت گفت «آن‌ها نمی‌توانند بین ما تفرقه ایجاد کنند.»

مجله شارلی ابدو در واکنش به حمله روز جمعه در حساب توئیتری خود نوشته است: «عدم مدارا به سطحی تازه رسیده و به‌نظر می‌رسد برای ارباب در کشور از هیچ چیز فروگذار نمی‌کنند.»

حدود بیش از دو هفته پیش یک مرد پاکستانی در نزدیکی دفتر سابق این نشریه، دو نفر را با ساطور زخمی کرد. این نشریه در بیانیه‌ای کارتونها را «بخشی از تاریخ» توصیف کرد که «کسی نمی‌تواند آن را بازنویسی کند و نمی‌تواند آن را پاک کند.»

حمله دو فرد مسلح به سلاح سرد روز جمعه ۲۵ سپتامبر-۴ مهر در نزدیکی دفتر سابق نشریه فکاهی شارلی ابدو در شهر پاریس چند مجروح برجای گذاشت.

در این حمله که با قمه یا تبر انجام شده است، دست‌کم دو نفر به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. به گزارش رسانه‌های فرانسه مهاجمان پس از حمله از محل حادثه گریختند.

منابع پولیس در پایتخت فرانسه دقایقی پس از انتشار خبر حادثه اعلام کردند که یک فرد مظنون در این ارتباط دستگیر شده است. نفر دوم نیز ساعاتی پس از حمله در متروی پاریس بازداشت شد. دادسرای ضد تروریسم رسیدگی به این حادثه را بر عهده گرفته است.

این حادثه که هنوز جزئیات دقیق آن مشخص نشده هم‌زمان با برپائی دادگاه محاکمه ۱۴ مظنون به همدستی در حمله مرگبار سال ۲۰۱۵ به دفتر نشریه شارلی ابدو در پاریس و چند هفته پس از انتشار مجدد کاریکاتورهای پیامبر اسلام توسط نشریه یاد شده صورت می‌گیرد.

حمله با سلاح سرد در خیابان نیکلا آپر، واقع در ناحیه یازدهم تقسیمات شهری پایتخت فرانسه روی داده که دفاتر سابق نشریه شارلی ابدو در آن قرار داشته است.

این در حالی‌ست که گروه القاعده چندی پیش هم‌زمان با نشر دوباره کاریکاتورهای جنجالی یاد شده و نیز برپائی جلسات محاکمه مظنونان حمله به دفتر شارلی ابدو کارکنان این نشریه فرانسوی را به مرگ تهدید کرده بود.

محل حادثه تحت محاصره نیروهای امنیتی درآمده و یگان‌های ویژه تحقیق و عملیاتی برای انجام مأموریت به محل اعزام شده‌اند. به گزارش فرانس پرس خیابانی که دفاتر سابق نشریه شارلی ابدو در آن قرار دارد به کلی مسدود شده و ده‌ها مأمور پولیس در ورودی و اطراف آن مستقر شده‌اند.

شهردار ناحیه یازدهم شهر پاریس اعلام کرده که کلیه مدارس، مهد کودک‌ها و خانه‌های سالمندان در محدوده محل حادثه مسدود شده و از افرادی که در این موسسات هستند خواسته شده تا اطلاع ثانوی از ساختمان خارج نشوند.

گفتنی است که رسانه‌های فرانسوی به تازگی با انتشار نامه‌ای سرگشاده هدف از تهدیدها بر ضد نشریه شارلی ابدو را ضربه زدن به آزادی بیان عنوان کرده و خواستار حمایت شهروندان از این نشریه شده بودند.



مکرون و دولت او در تلاش‌اند که قانونی در جهت ممنوعیت آنچه «تجزیه‌طلبی اسلامی» خوانده می‌شود، تصویب کنند.

ژرالد دارمانن، وزیر کشور فرانسه، اعلام کرد که پولیس این کشور همچنان چندین عملیات دیگر را در ارتباط با سر بریده شدن معلم تاریخ در دست انجام دارد.

دارمانن روز دوشنبه به شبکه رادیویی «اروپا ۱» فرانسه گفت که هشتاد تحقیق درباره نفرت‌پراکنی در اینترنت در حال پیگیری است و ممکن است برخی از انجمن‌های مسلمانان فرانسه به اتهام تحریک خشونت و نفرت منحل شوند.

وزیر کشور فرانسه گفت: «برخی از عملیات انجام شده و برخی دیگر انجام خواهد شد.»

اظهارات وزیر کشور فرانسه ساعاتی پس از آن منتشر شد که خبرگزاری رویترز به نقل از یک منبع پولیس گزارش داد دولت در پی اخراج ۲۳۱ خارجی مقیم این کشورند که متهم به داشتن عقاید مذهبی افراطی هستند.

به گزارش رسانه‌های جمعی ژرالد دارمنن، وزیر کشور فرانسه از مقام‌های محلی خواسته است که تدارکات اخراج شماری از اسلام‌گرایان افراطی را فراهم کرده و این روند را به جریان اندازند. گفته می‌شود که از این تعداد ۱۸۰ نفر در زندان‌های فرانسه هستند و ۵۱ نفر به زودی بازداشت می‌شوند.

دولت فرانسه به‌خوبی می‌داند که هزاران نفر از اتباعش در عراق و سوریه، در حال همکاری با داعش هستند و مکرون هم در سفر اخیرش به عراق اعلام کرد که مایل نیست هیچ‌کدام از اتباعش که حالا در زندان‌ها به سر می‌برند و دست‌شان به خون صدها نفر آلوده است را به پاریس برگرداند. این سیکل معکوس تولید، صدور و بازگشت تروریسم است که امروز باعث شده اتباعی که به اروپا برمی‌گردند «سلول‌های ترور» را شکل بدهند یا حداقل به نحوی عمل کنند که اگر خودشان نمی‌توانند دست به اقدام بزنند، جوان‌های غیر اروپایی را برای این امر تحریک کنند. نه تنها فرانسه، بلکه کشورهایی مانند هلند، آلمان و سوئد بیش‌ترین و خطرناک‌ترین مسلمانان سلفی را در خود جای داده‌اند، ولی حاکمیت این کشورها به هیچ وجه حاضر به نظارت بر شبکه‌های اجتماعی خود نیستند و حتی نمی‌خواهند اقدام عاجلی در مورد سلول‌های تروریستی انجام دهند؛ چراکه به نظر می‌رسد تبه‌کاران، تروریست‌ها و حتی باندهای تبه‌کارانه روزبه‌روز پیشرفته‌تر از دولت‌ها عمل می‌کنند.

اکنون قوه قضائیه فرانسه دادگاهی را آغاز کرده است که به گفته کارشناسان سیاسی و اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این دادگاه هم‌دستان سه تروریست محاکمه می‌شوند، ۱۴ نفر که گفته می‌شود وسایل مورد نیاز ضاربان را تهیه کرده یا در زمینه‌های دیگر، مادی و معنوی، به انجام ترورهای ژانویه ۲۰۱۵ کمک کرده‌اند.

ناظران احتمال می‌دهند که متهم اصلی، علیرضا پولات، شهروند ترکیه‌ای-فرانسوی به حبس ابد و دیگر متهمان به اتهام عضویت در یک سازمان تروریستی به مجازات تا ۲۰ سال زندان محکوم شوند.

برخی کارشناسان بر این نظرند که این دادگاه نه تنها از نظر مجازات متهمان مهم است بلکه بیش از آن برای بازماندگان حمله تروریستی و بستگان قربانیان حائز اهمیت است.

هفته‌نامه فکاهی شارلی ابدو، محل تجمع تعدادی از خبره‌ترین کاریکاتوریست‌های فرانسوی بود. این هفته‌نامه که بیش از ۵۰ سال پیش بنیان نهاده شد، در طول عمر خود تا بدین‌جا، با فراز و نشیب و تهدیدها و حمله‌های زیادی روبرو بود اما هیچ‌کدام تا این اندازه تلفات در پی نداشت.

دو برادر به نام شریف و سعید کواشی، ۷ ژانویه ۲۰۱۵ با این باور که کارکنان «شارلی ابدو» با انتشار کاریکاتور پیامبر اسلام به مسلمانان توهین کرده‌اند، روزنامه‌نگاران و پرسنل دفتر این هفته‌نامه طنز را به رگبار گلوله بستند، ۱۲ نفر را کشتند و گریختند.

این دو برادر الجزیری‌الاصل پس از فرار از محل حادثه، در چاپخانه‌ای در شمال پاریس به دام مأموران امنیتی افتادند و کشته شدند.

ماه گذشته میلادی نزدیک به یکصد رسانه فرانسوی با انتشار نامه‌ای سرگشاده خواستار بسیج شهروندان این کشور در دفاع از نشریه فکاهی «شارلی ابدو» شدند.

نشریه «شارلی ابدو» در آستانه آغاز جلسات دادگاه رسیدگی به پرونده حمله مرگبار به تحریریه این نشریه در سال ۲۰۱۵ بار دیگر کاریکاتورهای پیامبر اسلام را منتشر کرد. این اقدام «شارلی ابدو» باعث شد که گروه تروریستی القاعده کارکنان این نشریه را تهدید به مرگ کند.

ریس، یکی از کاریکاتوریست‌های «شارلی ابدو» و مدیر این نشریه، تهدیدهای اخیر را هم‌زمان با برگزاری دادگاه رسیدگی به متهمان حمله مرگبار سال ۲۰۱۵ اقدامی «واقعا تحریک‌آمیز» توصیف کرد.

رسانه‌های فرانسوی در این نامه تاکید کرده‌اند که تهدیدها علیه «شارلی ابدو» در عمل «آزادی بیان» را هدف گرفته است. مدیر «شارلی ابدو» انتشار نامه سرگشاده نزدیک به یکصد رسانه فرانسوی در دفاع از «آزادی بیان» را «تاریخی» توصیف کرده است.

مقامات فرانسه روز دوشنبه محل سکونت ماریکا برت، مدیر منابع انسانی نشریه «شارلی ابدو» را به دنبال دریافت تهدیدهایی که «جدی» ارزیابی شد تغییر دادند.

ژان کابو، ملقب به کبو، یکی از قدیمی‌ترین کاریکاتوریست‌های هفته‌نامه شارلی ابدو و خالق شخصیت کاریکاتوری «دودوش بزرگ» است که در اکثر کاریکاتورهای وی دیده می‌شود. وی که ۷۷ سال داشت، یکی از جان‌باختگان در حادثه تیراندازی به دفتر این نشریه است.

وی در مورد انتقاد از مذهب می‌گوید: «هر مذهبی یک ایدئولوژی است و می‌توان تمامی ایدئولوژی‌ها را مورد انتقاد قرار داد. نمی‌فهمم چرا باید دست از انتقاد در مورد مذاهب برداریم و به کارمان ادامه خواهیم داد.»

این هفته‌نامه، تنها به انتشار کاریکاتور نمی‌پرداخت و گزارش‌های تحقیقاتی و یادداشت‌های اجتماعی نیز از دیگر بخش‌های این هفته‌نامه فکاهی بود.

السا کایات، روان‌شناس و ستون‌نویس این هفته‌نامه، تنها زن جان‌باخته در میان قربانیان این حمله تروریستی است. استقنان شاربونیه، که با نام شارب کاریکاتورهای خود را امضاء می‌کرد، مدیر مسؤل این هفته‌نامه و یکی از ستون‌های اصلی شارلی ابدو بود. وی به دلیل تهدیدات مکرر، تحت محافظت پولیس قرار داشت و در روز حادثه، پولیس مراقب وی نیز در کنار شرب جان باخت.

شارب در برابر تهدیدهای بی‌شمار تندروها می‌گفت ترجیح می‌دهد ایستاده بمیرد به جای آن‌که به زانو بیفتد. بعد از حمله به دفتر این هفته‌نامه با مواد آتش‌زا، شرب در پاسخ به این اقدام گفت: «اگر از تهدیدها بترسیم و دست از کار بکشیم این پایان کار ما و روزنامه است. و در آن صورت آزادی بیان و مطبوعات و بحث و جدل نیز کارش تمام است.» فیلیپ اونوره، آخرین کاریکاتور خودش را به موضوع تبریک سال نو از زبان ابوبکر بغدادی، رهبر داعش که خود را «خلیفه مسلمانان» می‌نامید اختصاص داده بود. وی به هنگام مرگ ۷۳ سال داشت.

برنارد مریس، روزنامه‌نگار و اقتصاددان، احمد مرابط، تونس‌الاصل و یکی از دو پولیسی که قاتلان بعد از مجروح کردن، او را با شلیک به سرش به‌قتل رساندند، مصطفی اوراد، فرانسوی الجزایری تبار و ویراستار این هفته‌نامه، برنارد و رلاک معروف به تینیوس، و جرج ولینسکی، از کاریکاتوریست‌های کشته‌شده در حمله تروریستی به هفته‌نامه شارلی ابدو بودند.

جرج ولینسکی که یکی از مشهورترین کاریکاتوریست‌های فرانسه بود، در مورد سانسور و تهدیدها علیه این هفته‌نامه گفته بود: «هیچ موضوعی برای طنز ممنوع نیست. نباید در برابر شرارت‌ها عقب‌نشینی کنیم. اما شرور نیستیم اما رام‌شدنی هم نیستیم.»

زینب الرضوی در مجله شارلی ابدو کار می‌کرد اما هنگام ترور در تحریریه نبود. او پس از این حادثه استعفا داد، ولی هنوز هم به‌عنوان روزنامه‌نگار کار می‌کند، هنوز می‌ترسد و تحت محافظت پولیس قرار دارد.

او ضمن تاکید بر لائیک‌بودن خود می‌گوید، به‌نظر می‌رسد که لائیسیته قربانی حمله‌های دین‌گرایان افراطی شده است. به همین دلیل امیدوار است که دادگاه پاریس به مکانی برای محاکمه «تفکر» اسلام‌گرایان افراطی تبدیل شود، «زیرا این تفکر بیش از پیش جا می‌افتد و اسلام‌گرایان از حق آزادی بیان برای تبلیغ ایده‌های مغایر آزادی خود استفاده می‌کنند.» ماریز وولینسکی، همسرش ژرژ، سردبیر شارلی ابدو در زمان ترور، یکی از شاکیان خصوصی پرونده است. او هم امیدوار است که در روند رسیدگی به پرونده پاسخ‌هایی برای پرسش‌هایش بیاید.

وولینسکی به گزارشگر دوپچه‌وله می‌گوید: «برای من مهم است سر در بیاورم که مهاجم شریف کواشی در زمان حمله چه فکر می‌کرده است.»

او معتقد است که هر گونه اطلاعاتی در باره حمله مسلحانه به تحریریه مجله، او را به همسرش در آخرین دقیق عمرش نزدیک‌تر می‌کند.

ماریز وولینسکی هنوز با یاد و خاطرات ژرژ زندگی می‌کند و همسرش در همه جای خانه مسکونی او حضور دارد؛ نه تنها تصویرش، بلکه دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌هایش، به‌ویژه آن‌ها که برای ماریز نوشته شده‌اند: «شب به‌خیر عشق من»، «من عاشق تو هستم ماریز، فقط تو...»

ژان چارلز بریسارد، کارشناس تروریسم می‌گوید، حمله‌های اسلام‌گرایان افراطی «فرانسه و نه فقط فرانسه را تغییر دادند»، به همین دلیل دادگاه ۱۴ متهم از «اهمیت تاریخی» برخوردار است.

بریسارد امیدوار است که رسیدگی به این پرونده به شناخت بیشتر ساختارهای ترور کمک کند. زری زیبونی، زنی که هنگام گروگان‌گیری در سوپرمارکت پای صندوق نشسته بود هم خوشحال است که «بالاخره دادگاه آغاز شده است.»

او می‌گوید، هنوز کابوس‌های آن روز خواب و آرامش او را مختل می‌کنند و معتقد است که مجازات هم‌دستان تروریست‌ها می‌تواند زخم‌های روحی بازماندگان را الیتم بخشد.

حدود ۲۰۰ شاکی خصوصی قرار است به‌عنوان شاهد در دادگاه حضور یابند، حدود ۱۰۰ وکیل دادگستری وکالت شاکیان خصوصی و متهمان را به‌عهده گرفته‌اند و بیش از ۱۵۰ شاهد ماجرا هم برای ادای توضیحات در باره حمله مسلحانه اعلام آمادگی کرده‌اند.

سه تن از متهمان این پرونده، که به‌طور غیابی محاکمه خواهند شد زیرا هنوز دستگیر نشده‌اند. از این سه تن دو نفر به نام برادران بالحسین پس از حملات پاریس به منطقه‌ای در سوریه یا عراق گریختند. پیش از این اخباری مبنی بر مرگ آن‌ها منتشر شد، اما چون این اخبار تائید نشده، مقامات قضائی فرانسه حکم جلب آن‌ها را لغو نکردند.

زمان کل محاکمه برای مدت ۴۹ روز، از ۲ سپتامبر-۱۲ شهریور تا ۱۰ نوامبر-۲۰ آبان پیش‌بینی شده است. در این پرونده دو دادستان علیه متهمان اعلام جرم کرده و ۵ قاضی به آن رسیدگی خواهند کرد. پرونده حجیم این رویداد در ۱۷۱ پوشه جا داده شده و ۹۴ وکیل از متهمان دفاع خواهند کرد.

رئیس هیات قضات پرونده اجازه فیلم‌برداری از جلسه دادگاه برای «ثبت در تاریخ» را داده است. خبرنگاران ۹۰ رسانه از جمله ۲۷ رسانه غیر فرانسوی روند دادگاه را پوشش می‌دهند.

دادگاه متهمان حمله به شارلی ابدو که بناست دو ماه و نیم به‌درازا بکشد، به درخواست ژان فرانسو ریکار، دادستان ارشد فرانسه در دادگاه‌های ضد تروریستی، برای نخستین‌بار و به‌منظور ثبت برای آیندگان، تماماً فیلم‌برداری می‌شود. از سال ۲۰۱۶ به بعد، عملیات تروریستی بیش‌تر به شکل فردی و با سلاح سرد صورت می‌پذیرد.

قتل وحشیانه ساموئل پاتی معلم تاریخ، جغرافی و آزادی بیان در کنفلان سنت‌اونورین فرانسه که به تازگی کاریکاتورهای محمد، پیامبر اسلام را سر کلاس درس نشان داده بود، وجدان عمومی در فرانسه را برآشفته است. ضربه‌ای جدید روی یکی از بدخیم‌ترین زخم‌های جامعه فرانسه که مجموعه‌ای پرسش‌ها و نگرانی‌ها در مورد اسلام‌گرایی و آزادی بیان را در قرن جدید برانگیخته است.

این دومین اقدام تروریستی هم‌زمان با برگزاری دادگاه شارلی ابدو است. همین سه هفته پیش بود که یک پاکستانی با ساطور در نزدیکی دفتر سابق شارلی ابدو چند نفر را مجروح کرد.

ژانویه ۲۰۱۵، دو مرد مسلح به دفتر مجله شارلی ابدو حمله کردند و ۱۲ نفر را کشتند و حالا دادگاه این واقعه خونین در جریان است. همه چیز به کاریکاتورهای محمد پیامبر اسلام برمی‌گردد. مهاجمان کشیدن کاریکاتور از محمد را توهین به اسلام می‌دانند.

آن‌طور که نیویورک تایمز نوشته، تاریخ اخیر اقدامات تروریستی در فرانسه نشان می‌دهد که «مهاجم با دقت قربانی را انتخاب می‌کند که به گمان او نمادی از حمله به اسلام است.»

پس از واقعه، نیروهای پولیس قاتل معلم کنفلان سنت اونورین را به ضرب گلوله از پای درآوردند. ۹ نفر از خویشاوندان و نزدیکان او نیز دستگیر شده‌اند.

به‌گفته دادستانی فرانسه پدر یکی از دانش‌آموزان نیز دستگیر شده است. گفته می‌شود که او با آموزگار مقتول درباره محتوای درس جدل کرده است. این پدر در اینترنت مدعی شده است که آموزگار در کلاس درس به دانش‌آموزان کاریکاتورهای از هیکل برهنه پیامبر نشان داده است. به گفته دادستانی خواهر ناتنی فرد یادشده برای پیوستن به گروه تروریستی «دولت اسلامی» (داعش) به سوریه رفته است.

در میان بازداشت‌شدگان یک کنشگر اسلام‌گرای نیز وجود دارد که گفته می‌شود خواهان اخراج معلم مقتول از مدرسه بوده است.

مهاجم پس از قتل، در حساب توئیتری اش - که البته بسته شده - تصویری از سر بریده قربانی را منتشر کرده همراه با این پیام خطاب به امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه که او را «رهبر کفار» خوانده: «یکی از سگ‌های جهنمی‌ات را که جرات کرده بود به محمد توهین کند، کشتم.»

ساموئل پاتی قبل از نمایش کاریکاتورهای محمد در کلاس درس و بحث در مورد آزادی بیان، به شاگردان مسلمانانش گفته بود اگر ناراحت می‌شوند می‌توانند از کلاس خارج شوند. پس از کلاس، یکی از والدین خشمگین اما ویدئویی شکوایه‌آمیز از معلم در یوتیوب منتشر می‌کند. آتش خشم شعله‌ور شده گسترش مئیابد و جان معلم را که حالا «جان‌باخته راه آزادی بیان» خوانده می‌شود در خود فرو می‌کشد. مکرون گفته است که این معلم به قتل رسید، «زیرا تدریس می‌کرد، زیرا به شاگردانش دفاع از آزادی بیان می‌آموخت.»

روزنامه ایتالیایی لا استامپا، نوشته «پاریس بهای گزافی می‌پردازد، چرا که تسلیم تهدید جهادگرایان نشده است.» تنها داعش و القاعده و... نیستند که اعضا و هواداران‌شان را تشویق می‌کنند که در برابر هر نوع نقدی به اسلام و مسلمانان بی‌تفاوت نباشند و دست به اقدام بزنند، بلکه حکومت‌هایی چون حکومت اسلامی ایران و حکومت ترکیه و... نیز هواداران خود را علیه غرب و گرایش‌های لائیک و سوسیالیستی تحریک می‌کنند. این حکومت‌ها، حتی مخالفین خود را در این کشورها ترور می‌کنند و اغلب دولت‌های غربی بر تروریسم دولتی چشم می‌بندند. شاید هم مردم این کشورها بهای بندوبست دولت‌هایشان با دولت‌های مذهبی و حامی ترور را می‌پردازند. ما ایرانی‌ها صدها بار تروریسم حکومت اسلامی ایران را در داخل و خارج ایران تجربه کرده‌ایم و قربانیان زیادی در این راه داده‌ایم. فراموش نکنیم که بسیاری از گروه‌های تروریستی اسلامی مورد حمایت همه‌جانبه حکومت اسلامی ایران قرار دارند و به نوعی می‌توان گفت سر تروریسم دولتی را حکومت اسلامی در دست دارد.

گروه‌های اسلامی و تروریستی که در جنگ داخلی ۹ ساله سوریه حضور دارند مورد حمایت همه‌جانبه حکومت ترکیه قرار دارند.

عملیات‌های تروریستی، حالا ماهیتی پراکنده، منقطع و کور دارند. و بیشتر تابع منطق نظامی‌ای اند که فردریک گروس، پژوهش‌گر فرانسوی، آن را «جنگ منتشر» می‌نامد: جنگی بی‌قاعده برای کشتار «هر کسی که شد، هر وقت که شد، و هر طور که شد.»

اولویه روآ، استاد دانشگاه و متخصص اسلام سیاسی در گفت‌وگو با نوول ابزرواتور به همین مسأله پرداخته است. اولویه روآ می‌گوید که از سال ۱۹۹۵ (عملیات تروریستی خالد کلکال) تا ۲۰۱۵ (عملیات تروریستی سالن کنسرت بتکلان)، پروفایل یا مشخصات تروریست‌ها کم و بیش یکسان بوده است: اکثریت آن‌ها نسل دوم مهاجر از کشورهای شمال آفریقا هستند و یک چهارم آن‌ها را نوکیشان مسلمان تشکیل می‌دهند.

آن‌ها جوانانی‌اند که والدین‌شان بعد از سال ۱۹۹۵ به فرانسه آمده‌اند. فهم و آموزش عمیقی از اسلام ندارند و میانجی پیوند آن‌ها نیز نه خود دین که جرم‌های جزئی و سابقه زندان و مانند آن است.

پیش‌تر اولویه روآ در کتاب «جهاد و مرگ» توضیح داده بود که فرایند جذب و افراتی شدن این جوانان غالباً در محله، زندان یا سالن ورزشی اتفاق می‌افتد. سلول‌های جهادگرا همچون یک خانواده جدید یا به عبارت دیگر یک اجتماع برادران - در تضاد با پدران - شکل می‌گیرند. احتمالاً به همین خاطر در اغلب عملیات‌های تروریستی رد پای «برادران» خونی را می‌توان دید. (برادران کواشی، برادران عبدالسلام و...) آن‌ها اغلب با خواهر برادران هم‌رمز خود ازدواج می‌کنند.

آن‌ها بیش‌تر نیهیلیست هستند تا آرمان‌گرا. پیوندی اجتماعی با جامعه مسلمانی که از آن دفاع می‌کنند ندارند، در آئین‌های اجتماعی از جمله مراسم عید فطر و نماز جماعت شرکت نمی‌کنند، و تعداد کمی از آن‌ها مرتباً به مسجد می‌روند. به‌گفته‌ی ر‌وا، از سال ۲۰۱۶ اما تغییراتی در پروفایل تروویست‌ها رخ داده است. آن‌ها به لحاظ سن و خاستگاه نامتجانس‌تر شده‌اند. اقدام تروویستی نیز بیش‌تر فردی شده است. و دیگر و پس از سقوط دولت اسلامی با سلول‌های جهادگرا روبه‌رو نیستیم. ریشه و خاستگاه‌های ملی تروویست‌ها نیز متکثرتر شده است. عملیات تروویستی یک پاکستانی، یک چینی و مانند آن پدیده جدیدی است. سابقه جرم و جنایت جزئی اما هم‌چنان بخشی از پروفایل تروویست‌هاست. تشخیص این تکثر و عدم تجانس اما برای جامعه خشمگین فرانسوی و زیر سایه هویت‌گرایی و ناسیونالیسم کار دشواری است. از چشم بسیاری از فرانسوی‌ها، مقصر اصلی یک کلیت واحد یعنی جامعه مسلمانان است. پروفیسور مارلی یر می‌گوید که حملات ماه ژانویه فضای «ترس و سوءظن» به وجود آورد. اما این فضا تنها یکی از دلایل گرایش رای‌دهندگان به راست بود. او عملکرد اقتصادی دولت و میزان بیکاری را عوامل دیگر این گرایش می‌داند.

وی می‌افزاید: «وضعیت اقتصادی علت همه چیز است. اما در اثر گسترش فضای عدم اطمینان و نگرانی به‌خاطر سلامت فیزیکی و شخصی و افزایش نژادپرستی، همه چیز مغشوش به‌نظر می‌آید. چرا نژادپرستی بیش‌تر شده است؟ علتش ترس از تروویسم و مقصر شناختن یک بخش از جامعه یعنی مسلمان‌هاست. این‌ها را که کنار هم بگذارید به مخلوط بسیار مسموم‌کننده‌ای می‌رسید که وضعیت فعلی ماست.»

پروفیسور مارلئیر می‌گوید که نمود وضعیت جدید به حملات نژادپرستانه محدود نمی‌شود بلکه در نهادهای فرانسه نوعی نژادپرستی زیان‌آورتر نهفته است.

وی می‌افزاید: «در فرانسه هیچ سیاستی نداریم که بتوان آن را به حساب چندفرهنگی بودن گذاشت و این نشانه بن‌بست دیگری برای سیاست‌مداران و رسانه‌های فرانسوی است. واقعیت این است که وقتی به اسلام می‌رسیم کسی حاضر به فهم و پذیرش جمع‌گرایی فرهنگی و مذهبی نیست. البته نژادپرستی وجود دارد. اما این نکته اخیر توضیح می‌دهد که چرا و چگونه نژادپرستی سر باز می‌کند. کسانی هستند که بدون ملاحظه حرف‌های نژادپرستانه می‌زنند اما آن‌ها از نظر قانون فرانسه محکوم هستند و در فرانسه قوانین ضدنژادپرستی داریم. اما نوع دیگری نژادپرستی داریم که فکر می‌کنم زیان‌آورتر و نهفته است و به همین راحتی نمی‌توان آن را محکوم کرد و حتی گاهی مردم آن را نژادپرستی نمی‌دانند. این نژادپرستی با این دیدگاه شروع می‌شود که برابری یعنی همه باید جور خاصی لباس بپوشند و از استانداردهای مشخصی تبعیت کنند. هر کس که از این معیارها دوری کند شهروند خوبی نیست. فکر می‌کنم که ما به این‌سو می‌رویم که خیلی نگران‌کننده است.»

دکتر موران در این باره می‌گوید: «شکافی در جامعه فرانسه وجود دارد و این دسته از جوانان را که اغلب از کشورهای آفریقایی هستند که درگذشته مستعمره فرانسه بودند به حاشیه جامعه می‌رانند. قانوناً آن‌ها بخشی از جامعه فرانسه هستند، اما جامعه آن‌ها را نمی‌پذیرد. این جوان‌ها که فکر می‌کنند جایی در این جامعه ندارند، هویت خود را در جاهای دیگر می‌جویند و در بعضی موارد به اسلام افراطی روی می‌آورند که از اسلام اکثریت مسلمانان فرانسه بسیار دور است.»

پروفیسور مارلیر در پاسخ به این سؤال که آیا این زخم‌ها بهبود خواهد یافت، می‌گوید: «به کیفیت واکنش بستگی دارد. آیا کسانی که در عالم سیاست، در دولت، در رسانه‌ها، قدرت دارند می‌توانند با مردم عادی صحبت کنند؟ هنوز به چنین وضعی نرسیده‌ایم اما دست نیافتنی نیست. به شخصیتی سیاسی نیاز دارید که بتواند مردم را آرام کند. فکر نمی‌کنم که

اولاند و والس از پس این کار بر آمده‌اند. نیاز به کسی دارید که به مردم این حس اطمینان را بدهد که کسی مراقبشان هست. تهدید تروریستی واقعی است اما این نیاز نیز هست که مردم آرام شوند و نیروی کافی برای انجام کارهای روزمره داشته باشند، نه این که دائما به آن‌ها یادآوری شود که «در معرض تهدید قرار دارند و باید سیاست‌های واپس‌گرا را دنبال کرد.» چون همه این‌ها فضائی را به وجود می‌آورد که در آن ترس مردم بیش‌تر می‌شود و موجب قوت گرفتن نژادپرستی و محدود کردن آزادی‌ها می‌شود.»

به‌علاوه حمله مرگبار به مجله شارلی ابدو بسیاری از روزنامه‌نگاران و نویسندگان و هنرمندان و رسانه‌ها را به وحشت انداخت. مایکل موینیان، روزنامه‌نگار «دیلی بیست» در این مورد گفته است که این حمله تاثیر موحشی بر رسانه‌های دیگر داشته است.

وی می‌گوید: «کجا هستیم الان؟ هیچ کس حاضر نیست کاریکاتورها را به نمایش بگذارد. در ماه ژانویه ۱۲ نفر کشته شدند و یادتان بیاید که یک ماه بعد بیمار روانی کم سوادى در مراسم مربوط به آزادی بیان در دانمارک شروع به تیراندازی کرد. عده‌ای تلاش کردند لارس ویلکس را که کارتون سگی را کشیده بود با کله پیامبر بکشند. در این ماجرا هم دو نفر کشته شدند. نفرت دارم از این که این‌قدر بدبین هستم. همه دروغ می‌گویند و می‌گویند می‌خواهند به عقاید دیگران احترام بگذارند، اما همه ما در ترس به سر می‌پریم. ده ماه پس از وقایع پاریس و ده سال پس از دانمارک هنوز هم در وضعیتی وحشت‌آور هستیم.»

در چنین شرایطی اغلب دولت‌ها فرصت را مغتم شمرده و آزادی بیان را محدود می‌کنند. برای مثال، فیلیپ مالئیر (Philippe Marlière)، استاد علوم سیاسی از کالج دانشگاهی لندن و کارشناس مسائل فرانسه و اروپا معتقد است که حادثه تیراندازی به دفتر نشریه طنز «شارلی ابدو»، همانند ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در ایالات متحده و بمب‌گذاری‌های لندن در هفتم ژوئیه ۲۰۰۵، منجر به اعمال محدودیت‌هایی در آزادی‌های مدنی در فرانسه شد. وی به یورونیوز گفته است: «با این اتفاقاتی که افتاده است برای هر دولتی وضع قوانین جدید خیلی راحت است و دولت‌ها هم هیچ وقت در وضع چنین قوانینی کوتاهی نمی‌کنند، چون هر دو سوی طیف سیاسی از آن‌ها حمایت خواهد کرد. به جای توجه به توان پولیس در تعقیب و تجسس وضعیت تروریست‌های احتمالی، همراه با غلیان احساسات، مردم معمولا رامحلی فراسوی محدود کردن آزادی‌ها به شکل عام نمی‌بینند. در رسانه‌های فرانسه در باره نقص‌ها و کوتاهی‌های ادارات اطلاعاتی فرانسه چیز زیادی گفته نشد.»

پس از حملات «شارلی ابدو» قوانین جاسوسی (اطلاعاتی، ضداطلاعاتی) جدیدی در فرانسه وضع شد که از ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵ به اجرا در آمد.

پس از آن و در پی حملات ۱۳ نوامبر سال ۲۰۱۵ هم سه ماه وضعیت اضطراری رد فرانسه اعلام شد که طبق آن، نیروهای امنیتی فرانسه اجازه دارند مظنونین را تحت حصر خانگی قرار دهند و بدون مجوز قانونی، خانه‌ها را بازرسی کنند.

کمپین موسوم به «دسترسی هم‌اکنون» (Access Now) که طرفدار آزادی بیان است گفته که به تجسس بیش از آنچه اکنون وجود دارد نیاز نیست، بلکه باید کیفیت این تجسس بهتر شود. در نامه سرگشاده‌ای که پس از حملات به دفتر مجله «شارلی ابدو» توسط این نهاد منتشر شده، نوشته شده است: «کارگزاران دولت فرانسه گفته‌اند که پیش از این حملات اطلاعاتی در باره حملات داشته‌اند که نشان می‌دهد جمع‌آوری ناقص اطلاعات سهمی در وقوع این حملات نداشته است و افزایش تعقیب و تجسس هم نمی‌توانسته مانع از وقوع آن‌ها شود.»

متیو موران، استاد ارشد امنیت بین‌المللی در کینگز کالج لندن گفته که قوانین جدید فرانسه «پیامدهای پردامنه» ای برای آزادی‌های مدنی دارد. وی می‌افزاید: «این معمولاً خاص گروه‌های دست‌راستی و نشانه تأثیر انباشته حملاتی است که در سال ۲۰۱۵ در چشم‌انداز سیاسی فرانسه صورت گرفت. در عرصه ملی، فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری این کشور اینک باید در زمینه‌های امنیتی که میدان جنگ معمول نیکولا سارکوزی است با او رقابت کند و این گرایش گسترده به راست در مجموع به نفع جبهه ملی تمام می‌شود.»

در سال ۲۰۱۵ فرانسه به سوی احزاب سیاسی راستی چرخیده و گفته می‌شود یکی از دلایل این گرایش حمله به دفتر هفته‌نامه شارلی ابدو است. در اولین دور انتخابات منطقه‌ای که در ماه دسامبر ۲۰۱۵ برگزار شد، راست افراطی و ضد مهاجرین و پناهندگان «جبهه ملی» پیشرفت‌های زیادی کرد و در دو منطقه بیش از همه احزاب دیگر، رای آورد. یکی از این دو منطقه، منطقه «نور-پا-دو-کله» (Nord-Pas-de-Calais) در شمال شرق کشور است که همیشه از مناطق وفادار به حزب سوسیالیست بوده است. گرچه موفقیت جبهه ملی در دور دوم انتخابات منطقه‌ای تکرار نشد و یکی از دلایل هم مانور تاکتیکی رقبای سیاسی بود، اما تعداد شش میلیون و ششصد رأی که کسب کرد، بی‌سابقه بود. این نتایج موقعیت سیاسی مارین لوپن، رهبر جبهه ملی را که قصد دارد نامزد ریاست جمهوری انتخابات سال ۲۰۱۷ شود، قوی‌تر کرده است.

نفوذ اسلام‌گرایی به‌ویژه در مدارس فرانسه به مرحله هشداردهنده رسیده است. مثلاً بر اساس برخی گزارش‌ها، زمانی که در مدارس برای ادای احترام به قربانیان حمله به نشریه شارلی ابدو یک دقیقه سکوت اعلام شده بود، برخی از دانش‌آموزان این سکوت را رعایت نکردند.

دولت فرانسه مخالف ایجاد مدارس موازی پنهانی برای آموزش‌های افراط‌گرایانه است و تاکنون اقداماتی را نیز در این زمینه انجام داده است. به‌عنوان نمونه، به تازگی یک مدرسه غیرقانونی که ده‌ها دانش‌آموز را در خود جای داده بود به دلیل آموزش درس‌هایی «خارج از قوانین و اصول جمهوری» فرانسه، در حومه پاریس تعطیل شد. تعداد این کودکان حدود هشتاد کودک و سن آن‌ها حدود سه تا شش ساله بود. پولیس برخی از والدین این کودکان را به دلیل ارتباط با اسلام‌گرایان افراطی بازداشت کرد.

فقط در دو سال گذشته، حدود ده مدرسه غیرقانونی، مرکز مذهبی و سالن‌های ورزشی غیرقانونی که در ارتباط با افراط‌گرایان بوده‌اند در محله سن دونی در شمال پاریس شناسایی و تعطیل شده‌اند.

فقط در بازه زمانی سپتامبر ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۰، وزارت آموزش فرانسه ۹۳۵ مورد از نقض لائیسیته در مدارس این کشور را به ثبت رساند.

در حالی که مقامات رسمی فرانسه می‌گویند هویت عامل ترور روز جمعه برای سرویس امنیتی این کشور ناشناخته بوده و از جمله پرونده بنیادگرایی اسلامی هم نداشته است، برخی رسانه‌های فرانسوی روز یکشنبه نوشتند که او عضو گروهی در شهر «ارانی» در حومه پاریس بوده که نام یکی از اعضا آن در سپاه موسوم به «اس» بوده است. در فرانسه لیست «اس»، حاوی نام افرادی است که پرونده آن‌ها نزد مقامات امنیتی و ضد تروریستی گشوده است و فعالیت‌های آن‌ها تحت کنترل قرار دارد.

در حالی که عبدالله نه دانش‌آموز مدرسه محل کار مقتول و نه اصولاً ساکن شهر محل حمله بوده، ارتباط حمله او با ماجرا و این‌که چگونه قربانی خود را تحت نظر داشته هنوز کاملاً و به‌طور دقیق مشخص نشده است. گفته می‌شود که او دقایقی پیش از حمله، از برخی دانش‌آموزان سراغ ساموئل پاتی را گرفته است.

نکته دیگر پیشینه فعالیت عبدالله در فضای مجازی و حساب کاربری توئیتر اوست که در آن با اسم مستعار «الانصار» مطلب می‌نوشت. او بلافاصله پس از انجام حمله تروریستی در حساب توئیتری دیگری تصویری از سر بریده ساموئل پاتی را به همراه پیامی کوتاه هم‌رسان کرد. در حساب توئیتری الانصار هم که اکنون حذف شده است، حدود ۴۰۰ پست هم‌رسان شده بود.

به‌نوشته مجله لوبس، قاتل جوان در شبکه‌های اجتماعی مرتبا جملاتی از قرآن و نیز مطالب دیگری را با این مضمون که دولت عربستان «کافر» است، هم‌رسان می‌کرد.

او در یکی از آخرین پست‌های خود در شبکه‌های اجتماعی خبر این که ایران بازنشر کاریکاتورهای پیامبر اسلام در شارلی ابدو را محکوم کرده، هم‌رسان کرده بود. به این ترتیب او یکی از طرفداران حکومت اسلامی ایرا نبوده است. فالوئرهای او حدودا صد نفر بودند که بسیاری از آنان را افراد عضو جامعه چینی‌های فرانسه تشکیل می‌دادند و به نوشته لوبس، برخی از آنان به مطالبی درباره بنیادگرایی اسلامی ارجاع می‌دادند. بسیاری از فالوئرهای عبدالله از روز جمعه به بعد حساب خود را حذف کرده یا تغییر داده‌اند.

از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد عبدالله یزیدویچ آنزوروف پیش از دست زدن به حمله در روز جمعه تقریبا تمام پیام‌های خصوصی را حذف کرده است. سایت «مدیپارت» می‌نویسد این فرد چند هفته پیش از انجام حمله تروریستی در پروفایل توئیتر خود نوشته بود: «چچن آزاد می‌شود» و جمله پروفایل خود را نیز به «انا لله و انا الیه راجعون» تغییر داده بود.

انجمن ضدتبعض نژادی و یهودستیزی فرانسه به‌نام «لیکرا»، در تابستان گذشته حساب کاربری عبدالله را به دلیل آن که یهودیان را «ملعون» نامیده، گزارش داده بود. آن پیام خاص هم از حساب توئیتری پاک شد. مدیپارت همچنین نوشته که قاتل چینی پیش از این صحنه‌ای از یک سریال ترکی را منتشر کرده بود که در آن بازیگر فیلم آماده بریدن سر فردی بوده است.

در چنین وضعیتی، چه باید کرد بسیار مهم است. به‌نظرم عوامل مختلفی در رشد تروریسم اسلامی در غرب دخیل هستند. اگر دوره‌هایی از تاریخ مسیحیت و فاشیسم و میلترایسم بشریت را تهدید می‌کردند اکنون ده‌هاست که جنایت‌های بی‌شمار و تروریسم گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی بر سر زبان‌ها افتاده است.

مماشات دولت‌های اروپائی از جمله دولت فرانسه با حکومت‌های تروریستی همچون حکومت اسلامی ایران در رشد و گسترش تروریسم بسیار موثر است. به‌علاوه دولت‌های اروپائی از به انجمن‌ها و مساجد اسلامی با «دست و دل‌بازی!» کمک می‌کنند مبالغی که مردم به‌صورت مالیات می‌پردازند از جمله باید برای «خانه‌های جوانان» و رفاه عمومی هزینه گردد نه به مراکز خرافات و ترور اسلامی اختصاص داده شود!

مسأله مهم‌تر دیگر برچیدن گتوهائیست که در حاشیه کلان‌شهرها قرار دارند و ساکنان این گتوها نیز عمدتا خارجی تبار اند. این مناطق نسبت به مناطق دیگر شهرها از نظر بهداشتی، آموزشی و کاریابی در سطح پائینی قرار دارند. جوانان خارجی‌تبار ساکن این مناطق، آشکارا تبعیض دولتی را می‌بینند و رنج می‌برند. در چنین شرایطی، آن‌هایی که زمینه‌های مذهبی دارند جذب گروه‌ها و حکومت‌های مذهبی می‌شوند و آموزش‌های نظامی - تروریستی می‌بینند. یعنی باید شرایطی فراهم گردد که جوانان خارجی‌تبار احساس تبعیض و نابرابری و حاشیه‌نشینی نکنند و مانند همه جوانان از حقوق یکسان و برابری برخوردار گردند.

به‌علاوه طبق قوانین جهان‌شمول و سکولار آموزشی این کشورها، نباید به گروه‌های مذهبی اجازه داده شود تا بر خلاف مدارس سکولار، مدارس مذهبی باز کنند و کودکان و نوجوانان را با ایدئولوژی اسلامی و خرافات مذهبی شست‌وشوی

مذهبی دهند. همچنین باید بازبینی در دروس مدارس صورت گیرید و تقدس‌گرایی مذهبی و خرافات دینی از آن‌ها حذف شوند تا ذهن کودک و نوجوان به چنین خرافات و تقدس‌هایی آلوده نگردد. به عبارت دیگر، نباید به هیچ ایدئولوژی جنبه «تقدس» داد و مخالفت با آن و یا نقد و رد آن را «جرم» تلقی کرد.

همچنین باید قوانین طوری وضع شوند و پشتوانه اجرائی داشته باشند که سازمان‌ها و احزاب راست و نژادپرست و فاشیستی جرات نکنند خارجی‌تباران را تحقیر و تهدید کنند.

از سوی دیگر، دولت‌های غربی موظفند به قوانین خود گردن بگذارند و زیرمیزی به حکومت‌های جنگ‌طلب و خشونت‌طلب اسلامی سلاح و ابزارهای جاسوسی و پولیسی نفروشد. اجازه ندهند ترویس‌ها و جاسوس‌های چنین حکومت‌هایی به راحتی در کشورهای اروپائی رفت‌وآمد کنند و علیه پناهندگان و مهاجرین مخالف خود دست به جاسوسی و ترور بزنند. به علاوه ضرورت دارد که دولت‌های غربی باید به خودبزرگبینی، کشورگشائی، جنگ‌طلبی و برتری‌طلبی خود در جهان خاتمه دهند و انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع را قربانی منافع سرمایه‌داری خود نکنند.

یک مسأله مهم و اساسی دیگر آن است که روشنفکران و متفکران و فعالین فرهنگی سیاسی و اجتماعی آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو در سطح بین‌المللی یک نهاد دموکراتیک و مستقل خود را به وجود آورند که عمده فعالیتش را در راستای تبلیغ و ترویج آزادی بیان و اندیشه برای همگان و همچنین نقد تعرض مذهبی و غیرمذهبی به این آزادی‌ها متمرکز کند و توجه افکار عمومی جهان را به این امر مهم انسانی جلب کند.

چهارشنبه سی‌ام مهر [میزان] ۱۳۹۹ - بیست و یکم اکتوبر ۲۰۲۰